



تولید علم لزو ما تُولد مقاله نیست

یکی از چیزهایی که جادار د نخبگان کشور روی آن تعمق کنند و فکر کنند، اصل مقوله نخبگی و مفهوم نخبگی است. یک نگاه عالمانه و حکیمانه به اصل نخبگی کنید. این نخبگی یعنی ترکیبی و مجموعه‌ای از استعداد شما و همت شما برای کار کردن و تلاش کردن و حوصله‌ای که به خرج دادید و پیگیری‌ای که کردید. همه اینها - هم آن استعداد، هم آن همت، هم آن حوصله - داده‌های خانواد متعال است به شما. این رزق الهی است و الله فضل بعظمک علی بعض فی الرزق؛ این رزقی است که خدای متعال به شما داده، هم آن استعداد و کوشش و ظرفیت ذهنی‌ای که شما داشته‌اید، هم آن همتی که به خرج داده‌اید که درس بخوانید، تحقیق کنید، مطالعه کنید، کار کنید - خیلی‌ها استعداد دارند، همت آن را ندارند - هم آن حوصله‌ای که خدا به شما داد که صرف وقت کنید، بنشینید، بخوانید، فکر کنید، مطالعه کنید، بحث کنید؛ اینها حوصله می‌خواهد؛ این حوصله هم نعمت الهی است، این هم رزق الهی است...

البته تولید علم را که ما عرض کردیم، با تولید مقاله نباید اشتباه گرفت. آمارهایی که می‌دهند، مقاله‌هایی که منتشر شده، مقاله‌های علمی و بعضاً با ارزش و مرجع که در دنیا جنبه مرجع پیدا کرده، این چیز خوبی است، چیز باارزشی است، اما این همه قضیه نیست؛ اولاً باید مقاله‌ها به ثبت ابداع بینجامد، ثانیاً باید مقاله‌ها ناظر به نیازهای درونی کشور باشد؛ این را باید هم دانشگاه‌ها و هم دستگاه‌های مراکز تحقیقاتی و علمی دنبال کنند؛ روی این باید تکیه کرد.

۳۰ مهر ماه ۱۳۹۳

تربویان دانشجویی

بیکاری همه جا هست اما...

■ **علی مهرکیش***

از دوستان زیادی می‌شنوم که متأسفانه در ایران با وجود تحصیلات عالی و حتی در دانشگاه‌های خوب، امکان کار مناسب نصیب نشده. همین موضوع یک دلیل رایج این گروه برای مهاجرت یا ادامه تحصیل به خارج از کشور محسوب می‌شود. اما در غرب و به صورت ویژه در امریکای شمالی چه خبر است؟ من دوستان زیادی فارغ‌التحصیل دکتری و حتی پسادکتری در غرب می‌شناسم که چکیده تجربیات مشترک همه این دوستان موارد زیر است:

برای پیدا کردن اولین کار (کاری که با حداقل‌های شما همخوانی داشته باشد) بین ۶ تا ۱۲ ماه باید زمان در نظر بگیرید. مشکلات پیدا کردن کار برای فارغ‌التحصیل دکتری بیشتر است. به صورت کلی برای فارغ‌التحصیلان کارشناسی و کارشناسی ارشد موقعیت‌های شغلی بسیار بیشتری وجود دارد. حتی بسیاری (مخصوصاً مهاجران) به دنبال گرفتن مدرک از کالج‌های مختلف برای ورود به بازار کار هستند (چیزی شبیه دیپلم و فوق دیپلم در ایران). به همین دلیل تحصیل در کالج‌ها رونق بسیار خوبی دارد.

گاهی دوستان مطرح می‌کنند که برای پیدا کردن کار (مخصوصاً اولین کار) تا هزاردان مردار سال زرومه شغلی نیاز است. شرکت‌هایی در شهرهای حتی کوچک و دورتر و با آب‌وهوای بد، نکته مهمی اینجا نهنفته است. من موارد بسیار زیادی را دیده‌ام که با گرفتن یک موقعیت شغلی در یک شهر دیگر اقدام به نقل مکان خوداگی کرده‌اند.

در غرب هم مانند ایران کانتکشن (مناوبند) ارتباطات اجتماعی با معرف که گاهی در ایران از آن به عنوان پارٹی نام می‌بریم، مهم‌ترین حرف را در گرفتن یک شغل می‌تواند بزند. یکی از مهم‌ترین عوامل پیدا کردن کار، داشتن سوابق کار داوطلبانه است. شاید باور نکنید برای اخذ یک موقعیت کاری داوطلبانه باره وقت نیز چنان سنگین است که چندین نفر زرومه ارسال می‌کنند و بعد مصاحبه حضوری و باقی مراحل باید طی شود. در برخی از این موارد هم سرتیفیکت (گواهیمانه) باید داشته باشید. از آنجا که جذب هیئت علمی در دانشگاه‌های خوب بسیار سخت است بسیاری از متقاضیان کار (دکتری و پسادکتری) را دیده‌ام که در مدتی که با دنبال کار می‌گردند، برای گذران امور زندگی ممکن است در یک کتاب فروشی، مجتمع تجاری یا فعالیت‌های دانشگاهی مشغول به کار پاره‌وقت شوند. حتی گاهی دانشجویان کارشناسی را می‌بینم که آخر هفته یا آخر شب‌ها در رستوران و کافی‌شاپ کار می‌کنند. یکی از مهم‌ترین مواردی که اینجا می‌بینید تشویق کردن‌های مختلف دانشگاهی و دولتی به راه اندازی کسب و کارهای شخصی و نه الزاماً دانش بنیان است. بازار مدل‌های استیو جابز ی اینجا هم مانند ایران داغ است. بنابراین اینکه ایران حسنید یا خارج از کشور، فرق نمی‌کند، اگر شما نتوانید دو صفحه زرومه کاری بنویسید یعنی هنوز اثبات نکرده‌اید توانایی انجام کاری را دارید. مثلاً اینجا در زرومه شغلی برای کارهای غیر آکادمیک، شما مجانبینسید به بیش از دو مقاله مرتبط اشاره کنید. یا اینکه فرضا از شما نمی‌پذیرند اگر م‌بگوید من روی روایت فلان مدل کار کرده‌ام. شما باید دقیقاً بگویید روی روایت فلان مدل چه مدت کار کرده‌اید؟ دقیقاً چه کار کرده‌اید؟ کار شما به چه نتیجه‌ای رسیده است؟ مثلاً آیا حضور شما به عنوان طراح در آن پروژه به افزایش راندمان روایت کمک کرده یا نه؟ چند درصد؟

بنابراین با ادعای صرف، کسی نمی‌تواند وارد بازار کار شود. به همین دلیل در غرب قبل از وارد شدن به فضای کار، دوره‌های کارآموزی، کارهای داوطلبانه و همچنین سرتیفیکت دوره‌های عملی (دقت کنید عملی و نه علمی)

در رشته مورد نظر بسیار جدی گرفته می‌شوند

■ **دانشجوی دکتری ا دانشگاه فردوسی مشهد و دانشجوی نمونه کشوری**

دانشگاه

نقدی بر عملکرد جنبش دانشجویی در حوزه بین‌الملل

سهم ما از رنج‌های مسجدالاقصی چقدر است؟



در نقد جنبش دانشجویی مسلمان، دامنه تأثیر گذاری آن بر جامعه دانشگاهی، سطح و گستره حضور آن در متن عمومی جامعه برای جریان سازی فکری و...، بارها سخن گفته شده است. با این حال، گویی گوشی برای شنیدن این‌نقد‌ها موجود نیست؛ دانشجویانی که خود تند ترین نقد‌ها را بر عملکرد مسئولان اجرایی کشور وارد می‌کنند و برای بیان این نقد‌ها نیز هر ساله تریبونی بدون سانسور و چندین ساعت به دیندار با رهبر معظم انقلاب - به عنوان بالاترین مقام حاکمیت- دارند، نقد‌های اساسی متعددی را که بر عملکرد خودشان وارد می‌شود، کمتر می‌شنوند. صاحب این قلم، پیش از این در نقد عدم حضور تشکل‌های دانشجویی انقلابی در متن مردم، تمرکز گرای و تهران محوری این تشکل‌ها و بی‌برنامگی محض آنها برای استفاده از ظرفیت عظیم ادوار جنبش دانشجویی، در سراسر کشور سخنگفته است. طبیعتاً جریانی که خود را همواره منتقد و طلبکار می‌داند، اگر ظرفیت و فرصت خودنقادی را از خود بگیرد، دچار رکود خواهد شد. بر ایند عملکرد جنبش دانشجویی، موضوع گبری در حال حاضر را نیز شاید بتوان با همین واژه «رکود» نشانه گذاری کرد. واقعیت این است

که سطح و گستره عملکرد جنبش دانشجویی با توجه به ظرفیت‌های عظیم این مجموعه‌ها، به هیچ وجه قابل قیاس نیست و این واقعیت تلخ، همان چیزی است که ما به عنوان «رکود» از آن نام می‌بریم. نمود بارز این مدعا را می‌توان در انتقاد چندین و چند باره رهبر انقلاب از بر گزار نکردن کرسی‌های آزاداندیشی توسط تشکل‌های دانشجویی دید. مسئله وقتی برعزت می‌شود که بدانیم برخی کاستی‌های موجود در عملکرد جنبش دانشجویی، آنقدر واضح است که برای دیدن آن، نیاز به هیچ تحلیل پیچیده و غامضی نیست. مسئله عدم ارتباط جنبش دانشجویی کشور با فعالان دانشجویی دیگر کشورهای جهان، از همین دست مسائل آزادنده است.

اگر بخواهیم سطح توقع‌مان را باز هم پایین‌تر بیاوریم، خواهیم گفت، جنبش دانشجویی کشور با فعالان دانشجویی کشورهای مسلمان نیز تقریباً هیچ ارتباط مؤثری ندارد. بزرگ‌ترین اتحادیه‌های دانشجویی کشوری غالباً معاونتی به نام معاونت بین‌الملل ندارند، و وجود معاونت بین‌الملل در برخی دیگر نیز بیشتر برای نتیجه مبارزه و دفاع با مستعمران را بدون معاونت بین‌الملل این اتحادیه‌ها، موضع‌گیری هر چند مدام یکبار مسئول آن در یک مسئله بین‌المللی است. همین و دیگر هیچ! کسی

گام دوم پس از اردوهای جهادی دانشجویی

زمان برگزاری اردوهای جهادی فرهنگی فرارسیده است

وقت، بوده و انرژی صرف شده در هر فعالیت جهادی شود و این همان چیزی است که عموماً در بروکراسی بیج در پیچ دستگاه‌های دولتی، نادیده گرفته می‌شود.

با این وجود، صیغه سازندگی را شاید بتوان وجه عمده فعالیت‌های جهادی دانست. جهادگران می‌روند تا باری از دوش مردم محروم بردارند و سنگی را از پیش پای آنها دور کنند. شکل‌گیری ارتباطات فرهنگی در چنین بستری طبیعتاً می‌تواند بیشترین تأثیرات ممکن را داشته باشد چرا که جهادگر پیش از انجام فعالیت فرهنگی، صداقت خود را عملاً با فرد منطقه اثبات کرده و توسط آنها پذیرفته شده است. شکل‌گیری همین ارتباط عاطفی، پیش‌زمینه موفقیت هر فعالیت فرهنگی است. بر این اساس، شاید لازم باشد برنامهریزی جزوا و مفصل‌تر ی برای انجام اقدامات فرهنگی در بستر اردوهای جهادی شکل داد. ارتباط‌گیری با تمامی مردم روستای مقصد و بسنده نکردن به با تباط با معدود افرادی که خود با جهادگران ارتباط می‌گیرند را می‌توان در این مسیر به عنوان برنامه لازم‌الاجرا برای تمامی اردوهای جهادی پیشنهاد کرد. تکیه و تأکید بر محور قرار دادن مسجد به عنوان کانون برنامهریزی، مشورت، دیدارهای عمومی و برنامه‌های فرهنگی جهادگران، اقدامی است که می‌تواند زمینه‌فرار گرفتن مسجد در جایگاه اصلی خود را فراهم کند.

به نظر می‌رسد اهمیت مسئله فرهنگ، آنقدر هست که ورای این پیشنهادات قابل اجراء در قالب



دیگر است. همین! معلوم نیست کی قرار است از این خواب غفلت بیدار شویم و بفهمیم عدم ارتباط ما با فعالان دانشجویی دیگر کشور‌ها، آن هم در عصر ارتباطات، گناهی ناخوشودنی است.

اگر انقلاب صادر نمی‌شود، فقط دولت‌ها مقصر نیستند. در شرایطی که ناکارآمدی ساختارهای دولتی در مبارزات فکری، هر روز بیش از پیش در سراسر جهان اثبات می‌شود، ما هنوز هم از کم‌کاری وزارت‌خارج‌ه در صدور انقلاب گلایه داریم. خودمان اما پس از گذشت ۳۸ سال از انقلاب، در حد ایجاد معاونت بین‌الملل در ساختار اتحادیه‌ها نیز کاری برای صدور انقلاب نمی‌کنیم. در همین شرایط است که احساس می‌کنیم نهایت وظیفه ما برای همدردی با ملت مظلوم فلسطین نیز صدور بیانیه‌ای به زبان فارسی یا حداکثر، برگزاری فیس‌بوکی، یوتیوبی و اینستاگرامی‌مان، جمعی در مقابل دفتر سازمان ملل در تهران است. این اقدامات البته خارج از سطح تأثیر آن بر دردهای مردم فلسطین، انرژی ما را تخلیه می‌کند. در این حرفی نیست؛ تکلیف‌ما مسلماً بین تمام احساس تکلیف‌ها، کسی از دکتر حسایی یاد بگیریم که زبان‌المائی را در آخرین سال حیاتش آموخت!

شاید و تنها شاید تکلیف این باشد که حداقل یک زبان دیگر را بیاموزیم تا بین گشت‌های فیس‌بوکی، یوتیوبی و اینستاگرامی‌مان، طبق معمول بیانیه صادر کرده‌اند! آن هم تنها به زبان فارسی. نه حتی عربی، اردو یا پشتو! انگلیسی، اسپانیایی، روسی... که اصلاً حرفش را زن‌ا ما حرفی با این‌ن گفتار نداریم! مرگ بر امریکا! امام(ره) هم فقط به مسئولان گفته است: «مسئولان ما باید بدانند که انقلاب ما محدود به ایران نیست»

بیانیه عربی یا اردو زبان لاجرم باید مخطاطی داشته باشد که احتمالاً شما را بشناسد. ما را اما کسی در کشورهای مسلمان نمی‌شناسد که حرف‌هایمان را گوش کند! ما از یادی هستیم، حرف دیگران را هم پیش ما زن‌ا انگار نه انگار که امام(ره) می‌فرمود: «جنگ ما جنگ عقیده است و جغرافیا و مرز نمی‌شناسد و ما باید در جنگ‌اقتصادی‌مان بسیج بزرگ سربازان اسلام را در جهان به راه اندازیم.» یا می‌فرمود: «ما به تمام جهان تجربه‌های‌مان را صادر می‌کنیم و نتیجه مبارزه و دفاع با مستعمران را بدون کمک‌ترین چشم‌دانشی به مبارزان راه حق انتقال می‌دهیم!» انگار وظیفه ما تنها تخطئه اقدامات فلائی، فلائی و آن فلان فلان شده

فعلی اردوهای جهادی، بتوان طرح جدیدی برای برگزاری اردوهای جهادی فرهنگی ریخت، به خصوص آنکه رهبر فرزانه انقلاب طی سال‌های اخیر مکرر بر مسئله فرهنگ تأکید کرده و

خواستار تداوم جدی فعالیت‌های فرهنگی خودجوش جوانان انقلابی شده‌اند. شکل‌گیری مفهوم «آتش به اختیار» را می‌توان ثمره اهمیت همین فضا دانست. آنجا که رهبر انقلاب با فتح خرمشهر‌ها در عرصه‌های غیر نظامی نیز اشاره می‌کنند، مسئله همین است: «جوان‌های عزیز! بچه‌های عزیز من! فردا مال شماست، آینده مال شماست، شما هستید که باید این تاریخ را با عزت‌ش محفوظ نگه دارید، شما هستید که این بار مسئولیت را بردوش دارید، خرمشهر‌ها در پیش است، نه در میدان جنگ نظامی، [بلکه] در یک میدانی که از جنگ نظامی سخت‌تر است، البته ویرانی‌های جنگ نظامی را ندارد، بالعکس، آبادانی به دنبال دارد، اما سختی‌اش بیشتر است.»

در فضایی که به گفته برخی کارشناسان مسائل اجتماعی، بعضی معضلات این عرصه در حال تبدیل شدن به بحران هستند، شاید طراحی اردوهای جهادی مجزا برای پوشش دادن آسیب‌های ناشی از این معضلات را بتوان یکی از مصادیق همان «آتش به اختیار» مدنظر رهبر انقلاب تصور کرد. فرضاً در مسئله‌ای همچون طلاق، یکی از علل اصلی، ناآگاهی

بره نظر می‌رسد اهمیت مسئله فرهنگ، آنقدر هست که ورای این پیشنهادات قابل اجراء در قالب می‌رسد بستر مشاوره‌ای موسس در دادگاه‌های

نیز مدد برساند.

حرف استاد

پیگیری قضایی

برای مقابله با سرقت علمی



دکتر مهدی واحدی

عضویت علمی دانشگاه علامه طباطبائی

اگر از یک دانشجوی معمولی بپرسیم سرقت علمی چیست، شاید پاسخ دهد که سرقت علمی عبارت است از استفاده مطالب فرد دیگر بدون ذکر منبع مورد نظر، اما این تعریف محدودی است؛ واقعیت این است که سرقت علمی تنها استفاده از کتاب نیست و شامل همه مواردی می‌شود که توسط دیگران تولید شده و ما

استفاده می‌کنیم. پرداختن به موضوع علت سرقت علمی می‌تواند راهگشا باشد و مهم‌ترین دلیلی که باعث شیوع ناگوار سرقت علمی در کشور ما شده، عدم دانش و آموزش صحیح است که متأسفانه در دانشگاه آداب پژوهش و عدم سرقت علمی در هیچ کلاسی تدریس نمی‌شود.

نکته بعد در حوزه پژوهش، سلیطه کمیت به کیفیت است.

برای مثال در دوره دکتری دانشجویی را می‌پذیریم که فلان قدر مقاله داشته باشد، اساتید باید در یک سال حتماً تعدادی مقاله داشته باشند؛ در عین حال که چاپ مقاله برای تولید علم ضروری است، آفت‌هایی در آن وجود دارد که به سمت کمی‌گرایی و فراموشی کیفیت رفته‌ایم. بنابراین هر چه تعداد مقاله بیشتر باشد دانشجوی و استاد زودتر به مقصد مورد نظر می‌رسد و در عین حال کیفیت کاهش پیدا می‌کند. یکی از دلایل سرعت رشد علمی کشور هم همین موضوع است.

مدرک‌گرایی و فقدان قوانین روشن و بازدارنده از دیگر دلایل سرقت علمی است و اگر هم قانونی در این زمینه وجود دارد به صورت یک فرهنگ جاری در جامعه علمی نبوده و تنها به صورت یک بخشنامه ابلاغ شده است. قانون شفاف جلوی چشم استاد و دانشجو نبوده و این یک ضعف جدی است.

متأسفانه با توجه به سرقت‌های علمی صورت گرفته توسط سیاستون کشور باید گفت قوانین به هیچ وجه بازدارنده نبوده و افراد سیاسی هم نگران این نیستند که جایی یقه آنها را بگیرند. برای پیشگیری از مسئله سرقت‌های علمی باید تقبل و سرقت علمی پیگیری قضایی داشته باشد.

فرهنگ دانشگاه پرورش دهنده وجدان و منش پژوهش نیست و سیاسی کردن موضوع سرقت علمی، بهره‌برداری فرصت‌طلبانه از مدارج علمی، بستن حلقه گروه‌های آموزشی در دانشگاه‌ها به دلایل سیاسی و استفاده سیاسی و ابزاری از علم نباید در دانشگاه‌ها و جامعه رایج باشد.

روایت دانشجویی



یکشنبه‌ها روز خوبی است

■ **سمیه عطیلمی**

امروز هم یک‌شنبه است، درست مثل روزی که فهمیدم دانشگاه قبول شده‌ام؛ آن هم مترجمی عربی. نمره ۱۹/۷۵ صرف و نحو و روانم را نشاد کرده است. گرمای امی اندک آفتاب پاییزی که از لای دیوار و برده اتاق در روز نور تابم تنبیده سرخوشم می‌کند. هیچ چیز بهتر از آفتاب پاییزی نیست.

نگاهم از رد نور زرد کم‌رنگ آفتاب به سمت برگ‌های ریخته و پاشیده روزی می‌میز می‌افتد و ۱۹/۷۵ صرف و نحو باز هم تمام فکر و ذهنم را می‌گیرد می‌کند. آنقدر که صدایم را فقط حودم بشنوم می‌گویم: «هر که خواند صرف میبرم را! بشکند صد قفل و صد زنجیر را!»

سرمستم و خوش؛ از این نمره و حتماً نمره‌های بهتر. که صدای گریه متین چرت‌م را پاره می‌کند. دل در دارد و هنوز مقاومتی و اجزای آن در زندگی شخصی عموم جامعه، اردوی بیطرف دانشجویان و کارشناسان انقلابی می‌توان اردوهای جهادی خاص هر کدام را طراحی نمود.

در فضایی که به گفته برخی کارشناسان مسائل دفاع مقدس و مدعا مسئله فرهنگی دیگر را نیز می‌توان با توجه به اولویت هر کدام، در دستور کار قرار داد؛ اردوی جهادی خاص آن را برنامهریزی نمود. طبیعتاً جامعه هدف چنان اردوهای جهادی‌ای دیگر منحصر به مناطق محروم کشور نخواهد بود و می‌تواند به تناسب نیازهای فرهنگی هر منطقه کشور، آن را اجرایی کرد. در

این فضا، شاید فرضاً مناطق پرخوردتر و واجد اولویت بیشتری برای برنامهریزی و برگزاری اردوی جهادی تشخیص داده شود یا برگزاری اردوی جهادی فرهنگی در یک موضوع خاص، برای برخی استان‌ها هیچ اولویتی نداشته باشد. در هر صورت به نظر می‌رسد با توجه به نیازهای فرهنگی جامعه و موفقیت فوق‌العاده طرح اردوهای جهادی در بعد سازندگی و عمرانی، اکنون زمان طراحی اردوهای جهادی فرهنگی نیز فرارسیده باشد. اردوهای که توانایی حل و

همسختی بسیاری از معضلات اجتماعی و فرهنگی جامعه را در دل خود جای داده باشد و بتواند در کنار کسب رسانی اردوهای جهادی سازندگی به دولت‌های مختلف، با کاهش معضلات فرهنگی- اجتماعی، موجب کاهش پرورنده‌های ورودی قوه قضائیه شده، به این رکن مدیریت کشور

نیز مدد برساند.

نفسی از روی راحتی می‌کشم. یک ترم هم یک ترم است؛ آخر این آقامتین یکماهه طاقت دوری مادر را ندارد.